



بازداشت های خودسرانه و نقض حقوق بشر در سرزمین اشغالی فلسطین قبل از بحران اخیر غزه با نگاهی به گزارش گزارشگر ویژه حقوق بشر فرانچسکا آلبانیز^۱

امیر شریعتی اصل

کارشناس ارشد حقوق بین الملل، پردیس فارابی دانشگاه تهران
amirshariatiasl@gmail.com

چکیده

حفاظت از افراد در برابر اعمال خودسرانه قدرت یکی از بزرگترین دستاوردهای نظم بین المللی پس از ۱۹۴۵ است. هر مرجعی که کنترل مؤثری بر جمعیت اعمال می کند باید به ممنوعیت سلب خودسرانه آزادی احترام بگذارد. مقررات مربوط به مسائل دستگیری و بازداشت به حقوق بین الملل عرفی تبدیل شده است و از این طریق تعهداتی را بر دوش دولت ها تحمیل می کند حتی اگر آنها طرف معاهدات مربوطه از جمله میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نباشند. تصویب گسترده حقوق معاهدات بین المللی در مورد محرومیت خودسرانه از آزادی، و همچنین ورود گسترده این ممنوعیت به قوانین ملی، یک رویه تقریباً جهانی دولت را تشکیل می دهد که ماهیت عرفی محرومیت خودسرانه از آزادی را نشان می دهد. علاوه بر این، بسیاری از قطعنامه های سازمان ملل متحد، اعتقاد حقوقی را تأیید می کند که از ماهیت عرفی این قوانین حمایت می کند.

در اراضی اشغالی فلسطین، غیرقانونی بودن اشغالگری اسرائیل هرگونه عنوان مشروع برای اعمال اقتدار در مورد غزه یا کرانه باختری، از جمله بیت المقدس شرقی را نفی می کند. با این حال، هنگامی که کنترل عملی اعمال می شود، باید با چارچوب هنجاری قابل اجرا مطابقت داشته باشد.

نقض های مرتبط با استفاده گسترده نیروهای اسرائیلی از بازداشت اداری ممکن است به عنوان نقض فاحش کنوانسیون چهارم ژنو و جنایات جنگی در حبس غیرقانونی یک فرد محافظت شده و محرومیت عمدی حق آنها برای محاکمه عادلانه باشد. در این مقاله با مرور گزارش گزارشگر ویژه حقوق بشر و قواعد معاهده ای و عرفی حقوق بین الملل، نقض حقوق بشر در سرزمین های اشغالی فلسطین و مسئولیت بین المللی اسرائیل را در قبال این نقض ها اثبات می کنیم.

کلمات کلیدی: اشغال، قدرت اشغالگر، بازداشت های خودسرانه، گزارشگر ویژه، نقض حقوق بشر

^۱ Francesca Albanese(Special Rapporteur on the situation of human rights in the Palestinian territories)



۱- مقدمه

اشغال، طبق حقوق بین الملل بشردوستانه، در تعریف منازعات مسلحانه بین المللی قرار می گیرد و به این ترتیب توسط چهار کنوانسیون ژنو و پروتکل اول الحاقی تنظیم می شود. قدرت اشغالگر، در مواردی که کنترل مؤثری بر سرزمین های اشغالی داشته باشد با تعهدات خاصی روبرو است. این تعهدات شامل احترام به حقوق بشر، قانون و نظم، جدای از احترام به مقررات مربوط به حقوق بشردوستانه مرتبط با اشغال است. تعهدات اساسی قدرت اشغالگر بر اساس حقوق بین الملل بشر، حفظ نظم و زندگی عمومی در سرزمین های اشغالی است. در بیشتر موارد، قدرت اشغالگر باید از قوانینی پیروی کند که قبلاً در آن سرزمین جاری بوده است. (ICRC, ۲۰۰۴)^۱

حقوق بین الملل بشر، جامع ترین حمایت را در برابر محرومیت خودسرانه از آزادی ایجاد می کند. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی از افراد در برابر دستگیری خودسرانه، بازداشت، بدرفتاری و شکنجه محافظت می کند و حقوق رفتار انسانی، محاکمه عادلانه (از جمله از طریق دادگاه مستقل و بی طرف)، دفاع حقوقی موثر، حریم خصوصی و حیثیت را تضمین می کند. ممنوعیت محرومیت خودسرانه از آزادی یک قاعده آمره^۲ حقوق بین الملل است که نمی توان آن را همراه با ممنوعیت های شکنجه، تبعیض نژادی و آپارتاید زیر پا گذاشت. همچنین، رویه ی حقوقی که ابزار قانونی بودن بازداشت و محاکمه عادلانه است، باید در هر شرایطی رعایت شود.

فرانچسکا آلبانیز، گزارشگر ویژه حقوق بشر (از این پس گزارشگر ویژه)، نگرانی های مربوط به سلب آزادی خودسرانه گسترده و سیستماتیک در اراضی اشغالی فلسطین را بیان می کند و معتقد است: ((یک گزارش ۱۰۷۰۰ کلمه ای نمی تواند ابعاد و میزان سلب آزادی خودسرانه در سرزمین اشغالی فلسطین را نشان دهد و رنج میلیون ها فلسطینی را که مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر قرار گرفته اند، بیان کند)).

در این مقاله سعی بر این است با نگاهی به گزارش گزارشگر ویژه ، به وضعیت حقوق بشر در اراضی اشغالی فلسطین و درد و رنجی که مردم اراضی اشغالی فلسطین به واسطه ساختار پر از تبعیض تحمل می کنند، بپردازیم. بنابراین در قسمت اول نگاهی به وظایف حقوق بشری قدرت اشغالگر طبق حقوق بین الملل داریم و در قسمت دوم به وضعیت دستگیری های خودسرانه و نقض حقوق بشر در سرزمین های اشغالی خواهیم پرداخت.

۲- روش

پس از جنگ شش روزه در سال ۱۹۶۷، اسرائیل کرانه باختری، غزه و بیت المقدس شرقی را اشغال کرد و سیستم حکومت نظامی را بر سرزمین های اشغالی تحمیل کرد و تمام اختیارات دولت، قانون گذاری، انتصاب و اداره منطقه یا ساکنان آن را تحت کنترل انحصاری نیروهای اشغالگر اسرائیل، اعلام کرد. از این پس، فرماندهان نظامی اسرائیل از اختیارات قانونگذاری خود به طور گسترده استفاده کرده و بیش از ۲۵۰۰ دستور نظامی را در کرانه باختری و غزه صادر کرده اند که شامل مسائل امنیتی، مدیریت مالی، مالیات، حمل و نقل، برنامه ریزی سرزمین و منطقه بندی، مدیریت منابع طبیعی، آموزش، مدیریت منابع

^۱ International Committee of the Red Cross

^۲ Peremptory norm



طبیعی عدالت و غیره می شود. در سال ۱۹۸۰، اسرائیل به طور یکجانبه شرق بیت المقدس را ضمیمه کرد و بدین ترتیب رژیم حقوقی خود را بر این شهر تحمیل کرد. تابعیت اسرائیل به ساکنان فلسطینی بیت المقدس شرقی تعمیم داده نشده است، اما با این وجود، قوانین اسرائیل برای آنها به عنوان ساکنان اعمال می شود و آنها از رای دادن در انتخابات ملی اسرائیل یا مشارکت معنادار در سیستمی که بر آنها حکومت می کند، محروم هستند.

در سال ۲۰۰۵، اسرائیل به طور یکجانبه اعلام کرد که با نوار غزه "آتش بس" دارد، اما از آن زمان تاکنون کنترل نظامی و اقتصادی خود بر غزه را حفظ کرده و محاصره هوایی، دریایی و زمینی ایجاد کرده و ارتباط فلسطینی‌های غزه را با جهان خارج و بقیه سرزمین‌های اشغالی قطع کرده است. (Addameer, ۲۰۲۲)^۱

از سویی با توجه به گزارش گزارشگر ویژه، اسرائیل از همان ابتدا کاربرد حقوق بین الملل در اراضی اشغالی فلسطین را انکار کرده است. اسرائیل با تاکید بر اینکه این سرزمین به جای اشغال شده مورد مناقشه است؛ تنها مبنای حقوقی بین المللی برای ایجاد چنین سیستمی را رد کرده است. این امر منجر به نقض اصول اساسی حاکم بر موقعیت‌های اشغالی، از جمله عدم کسب حاکمیت، وظایف اداره سرزمین اشغالی به نفع جمعیت حفاظت شده و موقتی بودن اشغال آن شده است. اسرائیل با ادعای عدم اعمال قوانین حقوق بین‌الملل بشر در سرزمین‌های اشغالی، از تعهدات بین‌المللی خود برای اطمینان از دسترسی به یک محاکمه عادلانه، حمایت از قانون منع شکنجه یا رفتار یا مجازات بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز و تحریم‌های کیفری قابل پیش‌بینی تخطی می‌کند.

۳- تعریف اشغال

تعریف اشغال در مقررات مربوط به قوانین و آداب و رسوم جنگ (حقوق جنگ) در سرزمین، ضمیمه کنوانسیون چهارم لاهه مورخ ۱۸ اوت ۱۹۰۷^۲ آمده است. این مقررات بسیار قدیمی هستند و به گفته دیوان بین المللی دادگستری در رأی مشورتی (پیامدهای ساخت دیوار در سرزمین‌های اشغالی فسطین)^۳ و همچنین پرونده (کنگو علیه اوگاندا)^۴، جایگاه حقوق بین الملل عرفی را پیدا کرده اند.

وظایف قدرت اشغالگر اساساً در مقررات ۱۹۰۷ لاهه (مواد ۴۲-۵۶) و کنوانسیون چهارم ژنو^۵ (ماده ۲۷-۳۴ و ۴۷-۷۸) و همچنین در برخی مفاد پروتکل الحاقی اول^۶ و حقوق بین الملل بشردوستانه عرفی^۷ بیان شده است. قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه مربوط به سرزمین‌های اشغالی در هر زمان که سرزمینی تحت کنترل مؤثر نیروهای مسلح خارجی متخاصم قرار گیرد، قابل اجرا می‌شوند، حتی اگر اشغال با مقاومت مسلحانه مواجه نشود و درگیری وجود نداشته باشد.

^۱ Prisoner Support and Human Rights Association (الضمیر)

^۲ Laws and Customs of War on Land (Hague IV); October ۱۸, ۱۹۰۷

^۳ Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory

^۴ Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda)

^۵ Geneva Convention relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War, ۱۲ August ۱۹۴۹

^۶ Protocol Additional to the Geneva Conventions of ۱۲ August ۱۹۴۹, and relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol ۱)

^۷ Customary international humanitarian law



طبق مقررات لاهه ۱۹۰۷، زمانی سرزمینی «اشغال شده» تلقی می‌شود که عملاً تحت اختیار ارتش متخاصم قرار گیرد. تنها معیار برای تصمیم‌گیری در مورد قابل اجرا بودن قوانین اشغال متخاصم در یک وضعیت، کنترل واقعی قلمرو توسط نیروهای مسلح خارجی همراه با امکان اجرای تصمیمات آنها و عدم وجود کنترل موثر یک دولت ملی، به دست می‌آید. اگر این شرایط برای یک منطقه مشخص باشد، قانون اشغال متخاصم اعمال می‌شود. حتی اگر هدف از عملیات نظامی کنترل قلمرو نباشد، تنها حضور چنین نیروهایی در موقعیت کنترل، قانون حمایت از ساکنان را قابل اجرا می‌کند.

۴- وظایف قدرت اشغالگر طبق حقوق بین الملل

طبق حقوق بین الملل بشردوستانه، به محض اینکه نیروهای مسلح یک قدرت خارجی کنترل مؤثری را بر سرزمینی که متعلق به آن‌ها نیست، اعمال کنند، مقررات اشغال قابل اجرا خواهد بود و زمانی پایان می‌یابد که نیروهای اشغالگر از کنترل خود بر آن سرزمین صرف نظر کنند.

طبق ماده ۴۳ مقررات لاهه: ((متصرف باید تا حد امکان، تمام اقداماتی را که در اختیار دارد برای بازگرداندن و تضمین نظم و امنیت عمومی، ضمن احترام به قوانین جاری کشور، اتخاذ کند؛ مگر اینکه به طور مطلق از آن قوانین جلوگیری شود)). قدرت اشغالگر به عنوان متولی دولت ملی غایب، باید مسئولیت وظایفی را که مستقیماً با اداره قلمرو مرتبط است، به عهده بگیرد. به این ترتیب ممکن است یک اداره مدنی موقت ایجاد کند، اما حق تغییر ساختارهای موجود دولت را ندارد. برای مثال، نمی‌تواند در اصلاحات اساسی در سیستم عدالت کیفری شرکت کند. در ادامه به تعهدات حقوق بشری قدرت اشغالگر و وضعیت اجرای این قواعد در سرزمین اشغالی فلسطین خواهیم پرداخت.

۴-۱- وظیفه حفظ نظم و امنیت عمومی

قدرت اشغالگر موظف است طبق ماده ۴۳ مقررات لاهه نظم و امنیت عمومی را در مناطق تحت کنترل نیروهای خود بازگرداند و حفظ کند. برای انجام این وظیفه، قدرت اشغالگر این حق را دارد که با توجه به ماده ۲۷ کنوانسیون چهارم ژنو، «اقدامات کنترلی و امنیتی را در مورد افراد تحت حمایت که ممکن است در نتیجه جنگ ضروری باشد، اتخاذ کند». با توجه به ماده ۴۳ مقررات لاهه، اقدامات کنترلی و امنیتی باید برای افراد تحت حمایت و در صورت ضرورت باشد. در حقوق بشردوستانه منظور از افراد تحت حمایت، اسرا، غیرنظامیان و به طور کلی هر کسی در جنگ شرکت نداشته و یا دیگر شرکت ندارد، می‌باشد. این اقدامات بنا به اصل ضرورت باید فقط در صورت ضروری بودن اقدامات کنترلی و امنیتی جهت حفظ جان آن‌ها صورت بگیرد.

افراد تحت حمایت تنها پس از محاکمه عادلانه و بی طرفانه و طی روند دادرسی مناسب که به اصل بی گناهی و حق دفاع قانونی آنها احترام می‌گذارد، می‌توانند از آزادی محروم شوند. پس از بازداشت، آنها نباید تحت تنبیه بدنی قرار گیرند و باید به مراقبت‌های پزشکی، تغذیه و بهداشت دسترسی داشته باشند. حقوق بین الملل بشردوستانه عرفی این حداقل تضمین‌ها را تقویت می‌کند و احترام به تدابیر حمایتی کیفری را تحمیل می‌کند و کنوانسیون‌های ژنو، تبعیض، شکنجه، رفتار ظالمانه و کار اجباری را ممنوع می‌کند.



گروه کاری سازمان ملل در مورد بازداشت های خودسرانه^۱ که از سال ۱۹۹۲ به پرونده های فلسطینی ها رسیدگی کرده است، بارها تأیید کرده است که محرومیت خودسرانه و گسترده از آزادی ممکن است جنایت علیه بشریت باشد. کارشناسان مستقل سازمان ملل متحد و سازمان های برجسته حقوق بشر، استفاده گسترده و سیستماتیک اسرائیل از دستگیری های خودسرانه، بازداشت اداری، فقدان روند عادلانه، بدرقتاری و شکنجه را به عنوان عناصر اساسی رژیم آپارتاید که بر فلسطینیان تحمیل شده است، شناسایی کرده اند. بنابراین همان طور که در گزارش مشاهده شد، اقدامات کنترلی و امنیتی نه برای افراد تحت حمایت که برای کل مردم سرزمین اشغالی و همچنین نه برای ضرورت که در کل مدت اشغال صورت گرفته است.

۴-۱- الف) سیستم صلاحیت قضایی یکپارچه و تساوی در برابر قانون

قوانین اساسی بازداشت فلسطینیان در سرزمین های اشغالی ریشه در بقایای قوانین عثمانی، قیمومیت بریتانیا، اردن و مصر دارد. این سیستم شامل قوانین اضطراری و ضد شورش بریتانیا، قوانین تصویب شده فلسطینی (در مناطقی که مقامات فلسطینی در آن فعالیت می کنند)، و قوانین تصویب شده اسرائیل که برای غیر شهروندان اعمال می شود. همچنین بنا به گزارش گزارشگر ویژه، از سال ۱۹۶۷، نیروهای اشغالگر ۲۵۰۰ دستور را صادر کرده اند که تمامی مراحل زندگی فلسطینی ها از جمله نظم و امنیت عمومی، مدیریت منابع طبیعی، آموزش، حمل و نقل، اجرای عدالت، مدیریت مالی، مالیات، برنامه ریزی و منطقه بندی را کنترل می کنند. دستورات نظامی در بیت المقدس شرقی اشغالی، جایی که در آن بقایای مقررات اضطراری بریتانیا (هنوز در اسرائیل اجرا می شود) توسط اسرائیل در سراسر مناطق شهر و تا حدی در نوار غزه که از سال ۲۰۰۵، در محاصره غیرقانونی قرار دارد، اعمال می شود؛ متوقف شده است.

این تقسیم صلاحیتی فلسطینیان را در معرض انواع مختلف ظلم و ستم در بخش های مختلف اراضی اشغالی قرار می دهد. به طور مثال دستگاه های امنیتی مقامات فلسطینی در کرانه باختری (بیشتر شهرهای فلسطینی در «منطقه الف» تحت توافق اسلو)^۲ و نوار غزه فعالیت می کنند. در نتیجه، در کرانه باختری، فلسطینی ها می توانند توسط نیروهای اسرائیلی یا تشکیلات خودگردان فلسطین دستگیر شوند. در شرق بیت المقدس، آنها فقط می توانند توسط اسرائیل دستگیر شوند. در نوار غزه، آنها می توانند توسط مقامات موقت^۳ آن منطقه و توسط اسرائیل در منطقه مرزی و در دریای غزه دستگیر شوند. از این رو، سرنوشت فلسطینی ها بر اساس موقعیت مکانی، یعنی این که چه کسی و کجا آنها را دستگیر می کند و اقدامات آنها برای چه کسی "تهدید" تلقی می شود؛ مشخص می شود.

در ساختاری مملو از تبعیض، دادگاه های نظامی، قوانین نظامی را علیه فلسطینی ها اجرا می کنند؛ در حالی که دادگاه های اسرائیل قوانین مدنی داخلی را برای اسرائیلی ها، از جمله شهرکنشین ها، اعمال می کنند.

^۱ Working Group on Arbitrary Detention

^۲ Oslo Accords

^۳ de facto authorities



گزارشگر ویژه به درستی به این نکته اشاره دارد که سیستم اجرای قانون نظامی اسرائیل، بر اساس این دوگانگی نژادی ذاتی، ستون رژیم آپارتاید شهرک نشین- استعماری اسرائیل را تشکیل می دهد که فقط مردم فلسطین را هدف قرار می دهد و آنها را از حقوق اساسی از جمله برابری در برابر قانون محروم می کند.

۴-۲- وظیفه حفظ قوانین کیفری

ماده ۶۴ کنوانسیون چهارم ژنو تصریح می کند که «قوانین کیفری سرزمین اشغالی به استثنای مواردی که تهدیدی برای امنیت آن کشور یا مانعی برای اجرای این کنوانسیون باشد، ممکن است توسط دولت اشغالگر لغو یا تعلیق شود؛ به قوت خود باقی خواهد ماند. قدرت‌های اشغالگر نمی‌توانند قوانین جزایی را به دلیل دیگری و به‌ویژه صرفاً برای مطابقت دادن آن با تصورات قانونی خود نسخ یا تعلیق کنند.

بنابراین فقط در دو حالت دولت اشغالگر می تواند جلوی اجرای قوانین کیفری سرزمین اشغالی را بگیرد. نخست، مواردی که تهدید علیه امنیت آن کشور رخ داده باشد و دوم، زمانی که قوانین کیفری سرزمین اشغالی با قوانین اجرایی کنوانسیون چهارم ژنو در تضاد باشد که در نهایت ممکن است منجر به لغو یا تعلیق قوانین شود. در سایر حالات قدرت اشغالگر هیچ حقی جهت نسخ یا تعلیق قوانین کیفری کشور اشغال شده، ندارد.

طبق گزارش، رویه اسرائیل در قانون‌گذاری از طریق دستورات نظامی فراتر از محدودیت‌های یک قدرت اشغالگر بر اساس حقوق بین‌الملل، منجر به اجرای هزاران محدودیت غیرقانونی برای فلسطینی‌ها شده است. محرومیت از آزادی توسط مقررات اضطراری و از جمله دستور نظامی ۱۰۱ سال ۱۹۶۷ (تحریک و تبلیغات خصمانه) و دستور نظامی ۱۶۵۱ سال ۲۰۰۹ (امنیتی) تنظیم می شود. این دستورات دو دسته اصلی جرم ایجاد می‌کنند: جرایم امنیتی، «تهدید» حضور نظامی اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی، و تخلفات نظم عمومی، برهم زدن نظم عمومی از تظاهرات غیرمجاز تا اختلالات ترافیکی. هر دو جرم دارای احکام سنگین برای مرتکبین هستند.

تعاریف عمده میهم از جرم، منجر به جرایم کاملاً خودکامه می شود که با صلاحدید سربازان اسرائیلی، دادستان های نظامی و قضات، قابل اجرا هستند. این نظام مجازات فلسطینیان را صرفاً به دلیل ابراز عقاید یا مخالفت خود و یا مخالفت مسالمت آمیز با اشغالگری مجاز دانسته است. به طور مثال: استفاده از آزادی حق تجمع، ممکن است به ده سال حبس منجر شود. محدوده آن به اجتماعات تا ۱۰ نفر و افرادی که سازماندهی کرده تا افرادی را که حتی صرفاً تشویق به برگزاری تجمع کرده اند را شامل می شود.

عضویت در هر گروهی که سایر اعضای آن مرتکب تخلفات خاصی شوند (مانند نگه داشتن سلاح بدون مجوز) مجازات حبس ابد دارد. بنابراین، فلسطینی‌ها سخت‌ترین نوع محرومیت از آزادی را صرفاً بر اساس وابستگی، بدون در نظر گرفتن اعمال، دانش یا توانایی آنها برای پیش‌بینی اقدامات دیگران تحمل می‌کنند. این ناقض اصل اساسی (که در تمام رژیم های حقوقی وجود دارد) است؛ که مسئولیت کیفری باید بر اساس مسئولیت فردی باشد.



۴-۳- حق تعیین سرنوشت

حق تعیین سرنوشت مردم، حق آنها برای تعیین آزادانه وضعیت سیاسی و پیگیری آزادانه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود است. در ماده ۱ منشور سازمان ملل متحد (۱۹۴۵) به عنوان یکی از اهداف این سازمان آمده است. این حق به عنوان اولین حق در میثاق های دوگانه حقوق بشر (میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی^۱ و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۲) قرار دارد.

گزارشگر ویژه در این خصوص به این نکته اشاره دارد که: ((فلسطینی‌ها در سرزمین‌های اشغالی دائماً در معرض خطر زندانی شدن هستند. این خطر شامل کشاورزانی که در زمین‌های خود کار می‌کنند، کودکانی که در مناطق بسته نظامی به مدرسه می‌روند، رهبران سیاسی که وظایف خود را انجام می‌دهند و جامعه مدنی مدافع حقوق بشر هستند؛ می‌شود. جرم انگاری و زندانی شدن، فلسطینیان را از حقوق خود برای حرکت آزادانه، کار، تجمع مسالمت آمیز، بیان هویت، فرهنگ، عقاید، ادامه تحصیل، زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی محروم می‌کند. هدف نهایی این محدودیت ها سرکوب حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین است.))

۵- بازداشت های خودسرانه، محرومیت از آزادی و نقض حقوق بشر

نقطه شروع هرگونه بررسی تعهدات و استانداردهای بین المللی در مورد حبس و بازداشت، ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی است که مقرر می‌دارد:

((هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه حبس یا بازداشت کرد. هیچ کس را نمی‌توان از آزادی خود محروم کرد مگر به دلایلی و به ترتیبی که قانون تعیین می‌کند.))

معاهدات حقوق بشری از مفهوم «محرومیت از آزادی» به عنوان مفهوم کلی استفاده می‌کنند. نمونه‌هایی از «محرومیت از آزادی» شامل بازداشت پلیس، بازداشت موقت، حبس پس از محکومیت، حبس خانگی، بستری غیرارادی در بیمارستان، بازداشت رزمندگان یا غیرنظامیان اسیر در جریان درگیری‌های مسلحانه و همچنین شامل انتقال اجباری است.

۵-۱- مفهوم بازداشت و حبس

مجموعه اصول حمایت از همه افراد تحت هر نوع بازداشت یا حبس، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد (قطعه‌نامه ۱۷۳/۴۳) (از این پس مجموعه اصول) «دستگیری» را اینگونه تعریف می‌کند: «عمل دستگیری یک فرد به دلیل ارتکاب ادعای یک جرم یا با اقدام یک مرجع»

شخص بازداشت شده به عنوان هر فردی که از آزادی شخصی در نتیجه محکومیت به دلیل یک جرم محروم شود؛ تعریف می‌شود. مجموعه اصول، «حبس» را به عنوان محرومیت از آزادی در نتیجه محکومیت برای یک جرم تعریف می‌کند.

^۱ International Covenant on Civil and Political Rights

^۲ International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights

^۳ The Body of Principles for the Protection of All Persons under Any Form of Detention or Imprisonment adopted by the United Nations General Assembly (resolution ۴۳/۱۷۳)



کمیسیون سابق حقوق بشر سازمان ملل (شورای کنونی حقوق بشر)^۱ با انجام یک تحقیق و مطالعه معتبر راهنمایی های درستی در رابطه با واژه ها و مصادیق بازداشت و حبس داشته که مورد استفاده کارگروه سازمان ملل متحد در مورد بازداشت خودسرانه^۲ (از این پس کارگروه) هم قرار گرفته است. در این تحقیق چنین آمده است:

«بازداشت»: عمل بازداشت شخص به موجب قانون یا با اجبار از نوع دیگر و شامل مدت زمانی است که او تحت بازداشت قرار می گیرد تا زمانی که مرجعی که صلاحیت دارد، دستور ادامه حبس او یا آزادی او را صادر کند.

«حبس»: «عمل یک مقام صلاحیتدار (معمولاً قضایی) برای حبس شخص در مکان معین، خواه در ادامه بازداشت باشد یا خیر و تحت محدودیت هایی که او را از زندگی با خانواده یا انجام کارهای عادی یا فعالیت های اجتماعی و شغلی خود باز می دارد.

۵-۲- مفهوم آزادی و امنیت

راهنمایی تفسیری این اصطلاحات توسط کمیته حقوق بشر در نظر عمومی شماره ۳۵ در رابطه با تفسیر و دسترسی به ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ارائه شده است.

آزادی: آزادی شخص مربوط به آزادی از حبس بدن است، نه آزادی عمل عمومی.

امنیت شخص: این مربوط به رهایی از صدمه به بدن و روان یا تمامیت جسمانی و روانی است. ماده ۹ میثاق این حقوق را برای همه تضمین می کند. منظور از همه: ((شامل دختران و پسران، سربازان، افراد دارای معلولیت، افراد همجنس گرا، دوجنسه، بیگانگان، پناهندگان و پناهجویان، افراد بدون تابعیت، کارگران مهاجر، افراد محکوم به جرم و افرادی که در فعالیت های تروریستی شرکت کرده اند.))

طبق این نظر همه باید آزادی خود را حفظ کنند و یک فرد فقط در صورت لزوم باید از آن محروم شود. در مواردی که چنین سلب آزادی رخ می دهد، نباید «خودسرانه» باشد، الزامی که در متن این ماده قرار دارد، اما همیشه در اسناد معاهدات بین المللی تعریف یا توضیح داده نشده است. توصیه های کارگروه اگرچه ارزش قواعد یک نهاد معاهده یا یک دادگاه را ندارد، با این وجود در اینجا به ویژه از نظر بیان کلید ویژگی ها و شاخص های ((خودسرانه^۳)) مهم و تأثیرگذار است.

همچنین طبق این رویکرد، «محرومیت از آزادی در صورتی که ناشی از تصمیم نهایی اتخاذ شده توسط یک فرآیند قضایی داخلی باشد، خودسرانه نیست؛ (الف) مطابق با قوانین داخلی است؛ و (ب) مطابق با سایر استانداردهای بین المللی مرتبط در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و اسناد بین المللی مربوطه پذیرفته شده توسط کشورهای ذینفع تعیین شده است.

^۱ United Nations Human Rights Council

^۲ United Nations Working Group on Arbitrary Detention (WGAD)

^۳ arbitrariness



۵-۳- جایگاه ممنوعیت بازداشت های خودسرانه در حقوق بین الملل

اعلامیه جهانی حقوق بشر در اینجا از اهمیت ویژه ای برخوردار است تا جایی که مقررات مربوط به مسائل دستگیری و بازداشت به حقوق بین الملل عرفی تبدیل شده است و از این طریق تعهداتی را بر دوش دولت ها تحمیل می کند حتی اگر آنها طرف معاهدات مربوطه از جمله میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نباشند. با توجه به عرفی بودن ممنوعیت محرومیت خودسرانه از آزادی، نظر کارگروه این است که:

تصویب گسترده حقوق معاهدات بین المللی در مورد محرومیت خودسرانه از آزادی، و همچنین ورود گسترده این ممنوعیت به قوانین ملی، یک رویه تقریباً جهانی دولت را تشکیل می دهد که ماهیت عرفی محرومیت خودسرانه از آزادی را نشان می دهد. علاوه بر این، بسیاری از قطعنامه های سازمان ملل متحد، اعتقاد حقوقی^۱ را تأیید می کند که از ماهیت عرفی این قوانین حمایت می کند.

در واقع، کارگروه بر این عقیده است که: ((ممنوعیت سلب خودسرانه آزادی بخشی از حقوق معاهدات، حقوق بین الملل عرفی است و یک قاعده آمره^۲ است. محتوای خاص آن، همانطور که در این بحث بیان شد، به طور کامل در همه موقعیت ها قابل اجرا است.))

۵-۴- مصادیق بازداشت خودسرانه

کارگروه هرگونه محرومیت از آزادی را در صورتی که موضوع در یکی از پنج دسته زیر قرار گیرد، خودسرانه می داند:

(۱) هنگامی که استناد به هر مبنای قانونی که محرومیت از آزادی را توجیه می کند، آشکارا غیرممکن باشد، مانند زمانی که شخص پس از اتمام دوره محکومیت خود یا با وجود قانون عفو قابل اجرا در مورد او، در بازداشت نگه داشته می شود.

(۲) هنگامی که محرومیت از آزادی ناشی از اعمال حقوق یا آزادی های تضمین شده توسط مواد ۷، ۱۳-۱۴ و ۱۸-۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و تا آنجایی که به دولت های عضو مربوط می شود، توسط مواد ۱۲، ۱۸، ۱۹، ۲۱-۲۲ و ۲۵-۲۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، تضمین شده باشد.

(۳) هنگامی که عدم رعایت کلی یا جزئی قواعد بین المللی مربوط به حق محاکمه عادلانه که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و اسناد بین المللی مربوط توسط کشورهای ذینفع پذیرفته شده، به قدری جدی باشد که سلب آزادی یک خصلت خودسرانه^۳ محسوب شود.

(۴) هنگامی که پناهجویان، مهاجران یا پناهندگان، تحت بازداشت اداری طولانی مدت و بدون امکان بررسی یا تجدید نظر اداری یا قضایی قرار می گیرند.

(۵) هنگامی که محرومیت از آزادی به دلیل تبعیض بر اساس تولد، منشأ ملی، قومی یا اجتماعی، زبان، مذهب، وضعیت اقتصادی، عقاید سیاسی یا سایر عقاید، جنسیت، گرایش جنسی، ناتوانی یا هر وضعیت دیگری که در جهت نادیده گرفتن برابری انسان ها باشد یا می تواند منجر به نادیده گرفتن برابری انسان ها شود؛ نقض حقوق بین الملل محسوب شود.

^۱ opinio iuris

^۲ ius cogens (Peremptory norm)

^۳ arbitrary character



بنابراین، قوانین داخلی باید دقیق باشد تا فرد متأثر شرایط دستگیری و بازداشت قانونی و راه های رفع محرومیت از آزادی را پیش بینی کند. حتی در مواردی که مبنای قانونی برای بازداشت روشن است، قانون نباید در مورد نحوه اعمال آن به افسران پلیس یا سایر مقامات دولتی اختیارات گسترده ای بدهد.

۶- بازداشت های خودسرانه و نقض حقوق بشر در سرزمین اشغالی فلسطین

حفاظت از افراد در برابر اعمال خودسرانه قدرت یکی از بزرگترین دستاوردهای نظم بین المللی پس از ۱۹۴۵ است. هر مرجعی که کنترل مؤثری بر جمعیت اعمال می کند باید به ممنوعیت سلب خودسرانه آزادی احترام بگذارد. در اراضی اشغالی فلسطین، غیرقانونی بودن اشغالگری اسرائیل هرگونه عنوان مشروع برای اعمال اقتدار در مورد غزه یا کرانه باختری، از جمله بیت المقدس شرقی را نفی می کند. با این حال، هنگامی که کنترل عملی اعمال می شود، باید با چارچوب هنجاری قابل اجرا مطابقت داشته باشد.

همان طور که پیش تر اشاره شد، حمایت های حقوق بشری از بازداشت های خودسرانه در حقوق بین الملل در چارچوب معاهدات و عرف و حتی با توجه به گزارش کارگروه، جزو قواعد آمره بین المللی است که تخطی از آن به هیچ عنوان جایز نیست و حمایت های آن «در صورت درگیری های مسلحانه متوقف نمی شود» و به صورت فراسرزمینی اعمال می شود.

۶-۱- بازداشت های اداری

گزارشگر ویژه به رویه های حبس دسته جمعی فلسطینیان توسط رژیم اشغالگر در مناطق اشغالی اشاره دارد: نیروهای اسرائیلی علاوه بر دستگیری و بازداشت فلسطینیان بر اساس جرایم جنایی همه جانبه، اغلب افراد را بدون اتهام یا محاکمه بازداشت می کنند. از سال ۱۹۸۹، سالانه حدود ۵۰۰ فلسطینی از جمله کودکان، مدافعان حقوق بشر، دانشجویان و رهبران سیاسی به صورت «اداری»^۱ بازداشت شده اند. بازداشت اداری^۲ تنها در مواقعی مجاز است که به دلیل «دلایل حیاتی امنیتی»^۳ «کاملاً ضروری»^۴ باشد و باید مطابق با حمایتی باشد که طبق حقوق بین الملل ارائه می شود. در عوض، در اراضی اشغالی فلسطین، فرماندهان نظامی اسرائیل هر زمان که دلایل منطقی برای فرض اینکه امنیت منطقه یا امنیت عمومی مستلزم بازداشت هستند، دستور بازداشت اداری می دهند.

بازداشت اداری گسترده فلسطینیان دلایل دیگری برای عدم مشروعیت دارد. اول، مبهم بودن مفهوم «امنیت» به فرماندهان نظامی اختیارات ارادی قابل توجهی در اعمال بازداشت اداری می دهد که می تواند برای مدت نامحدودی تمدید شود. دوم، بازداشت اداری، حمایت های حقوق بین الملل مربوط به دستگیری، بررسی قضایی و شرایط حبس را نادیده می گیرد. پس از دستگیری، بازجویی اغلب شامل روش های اجباری برای استخراج اطلاعات است که احتمالاً طبق حقوق بین الملل به بدرفتاری و گاهی اوقات شکنجه می رسد. از دلایل بازداشت به زندانی اطلاع داده نمی شود. سفارشات به زبان عبری هستند و به عربی ترجمه نمی شوند. وکلا به ندرت به شواهد مخفی دسترسی دارند، بنابراین نمی توانند آن را به چالش بکشند یا شاهدان را مورد

^۱ administratively

^۲ Administrative detention

^۳ imperative reasons of security

^۴ absolutely necessary



بازجویی متقابل قرار دهند. جلسات استماع معمولاً برای عموم آزاد نیست. بررسی قضایی هم برای عدم امکان تجدیدنظر در برابر شواهد سری و هم عدم تفکیک قوا در سیستم قضایی نظامی بی اثر است و در نهایت، به نظر می‌رسد طبقه‌بندی «تهدید امنیتی» که منجر به بازداشت اداری می‌شود، بهانه‌ای برای آزار و اذیت افراد خاصی باشد که ممکن است اشغال را به چالش بکشند.

در حالی که تعیین مورد به مورد ضروری است، نقض‌های مرتبط با استفاده گسترده نیروهای اسرائیلی از بازداشت اداری ممکن است به عنوان نقض فاحش کنوانسیون چهارم ژنو و جنایات جنگی در حبس غیرقانونی یک فرد محافظت شده و محرومیت عمدی حق آنها برای محاکمه عادلانه باشد. بلاتکلیفی که بازداشت شده برای مدتی غیرقابل پیش بینی در فقدان اتهام، شواهد شناخته شده یا محاکمه با آن مواجه است، ممکن است به بدرفتاری تبدیل شود. بازداشت اداری همچنین ممکن است نوعی آزار و شکنجه باشد.

۶-۲- بازداشت‌های خودسرانه

با توجه به گزارش: ((بازداشت^۱ زمانی شروع می‌شود که نیروهای اسرائیلی فلسطینی‌ها را به عنوان بخشی از سیستم کنترل نظامی یا غیرنظامی) آنها دستگیر می‌کنند. فلسطینی‌ها را نه تنها می‌توان در حین «عملیات اجرای قانون» دستگیر کرد؛ بلکه در ایست‌های بازرسی، خیابان‌ها، در راه مدرسه، هنگام کشاورزی زمین یا در خلوت خانه‌هایشان دستگیر می‌شوند. به دلیل نداشتن حکم بازداشت و اتهام، نیروهای اسرائیلی عموماً نمی‌توانند فلسطینی‌ها را از دلایل دستگیری خود آگاه کنند. ضرب و شتم، آزار و اذیت کلامی، تحقیر، شیوه‌های مکرر در حین دستگیری، علاوه بر افزایش تعداد قتل‌ها در جریان «عملیات جستجو و دستگیری» است.

مرزبندی‌های مهندسی شده توسط شهرک نشینان ممکن است منجر به دستگیری فلسطینی‌ها (اغلب در هنگام کشاورزی زمین‌های خود) توسط سربازان پس از اطلاع شهرک نشینان شود.

حملات شبانه به یک تاکتیک رایج برای دستگیری یا به سادگی آزار و اذیت و وحشت فلسطینیان تبدیل شده است. ده‌ها سرباز مسلح به روستاها یورش می‌برند، وارد خانه‌ها می‌شوند و درها را می‌شکنند، غارت می‌کنند، اموال را غارت می‌کنند و افراد از جمله کودکان را بدون حکم دستگیر می‌کنند. همچنین اسرائیل به افرادی که به طور خودسرانه دستگیر شده‌اند یا برای تخریب گسترده اموالی که در جریان حملات رخ می‌دهد، غرامت نمی‌دهد.))

^۱ Arrest



۶-۳- بازداشت موقت^۱

در رابطه با بازداشت های موقت و نقض حقوق بین الملل بشر گزارشگر اذعان دارد که: ((حقوق بین الملل ایجاب می کند که به جز زمانی که متهمان تهدیدی برای امنیت عمومی باشند یا خطر ایجاد مانع در روند رسیدگی را داشته باشند، نباید بازداشت شوند. در عوض، فلسطینی ها بدون توجه به اینکه آستانه «امنیت عمومی یا خطر آ» برآورده می شود یا خیر مورد اتهام قرار می گیرند و بازداشت می شوند. بازداشت پیش از محاکمه تا پایان دادرسی رایج است که می تواند سال ها طول بکشد. بازداشت پیش از محاکمه برای بازجویی (بدون اتهام) می تواند تا ۹۰ روز ادامه داشته باشد که در صورت درخواست هر ۳۰ روز قابل تمدید است. جلسات بازجویی فاقد رسیدگی اساسی است و تقریباً سه دقیقه طول می کشد. این فرآیندها عمدتاً در غیاب وکیل قانونی رخ می دهد. این نوع بازداشت موقت، هم فرض بی گناهی و هم حق رهایی از بازداشت خودسرانه و طولانی را نقض می کند.))

۶-۴- نحوه محاکمه و رسیدگی به جرم

گزارشگر در رابطه با نحوه محاکمه و رسیدگی به جرم بیان می دارد: ((بازداشت های فلسطینی ها توسط دادگاه های نظامی اسرائیل بررسی می شود. پرسنل آنها، از جمله قضات و دادستان، اعضای همان ارتش و اغلب از همان واحدهایی هستند که اشغالگری را انجام می دهند و در خصومت با مردم فلسطین شرکت دارند. حتی دادگاه تجدیدنظر نظامی نیز زیر نظر دادستان کل نظامی فعالیت می کند. این دادگاه ها نه می توانند مستقل باشند و نه بی طرف. در واقع، دادگاه های نظامی برای محاکمه غیرنظامیان نامناسب تلقی می شوند. دادرسی ها در دادگاه های نظامی فاقد شفافیت است، دسترسی عمومی را محدود می کند و به زبان عبری و معمولاً بدون تفسیر، رسیدگی می کند. وکلای سرزمین های اشغالی نمی توانند در جلسات دادگاه در اسرائیل شرکت کنند زیرا مجوز ورود ندارند.))

همچنین در ادامه گزارشگر به نقض آشکار آیین دادرسی و ضمانت های پیش بینی شده اشاره دارد و بیان می کند: ((وجود قضات، دادستان ها، دادگاه تجدیدنظر (از سال ۱۹۸۹) و دادگاه های نظامی نوجوانان (از سال ۲۰۰۹) ظاهری از حاکمیت قانون ایجاد می کند که ماهیت ظالمانه اشغال را پنهان می کند. به نظر می رسد که میزان بالای محکومیت (۹۹ درصد) و اتکای زیاد به قراردادهای اقرار در دادگاه های نظامی (۹۵ درصد) عدم حمایت از اصل بی گناهی، در میان سایر موارد نقض آشکار آیین دادرسی و ضمانت های مربوطه را تأیید می کند.))

^۱ Pretrial detention

^۲ public safety or risk

^۳ hostilities



۷- پیشینه پژوهش

سلب آزادی ها و بازداشت افراد بدون دلیل موجه و برای مدت طولانی و عدم روند صحیح رسیدگی و آیین دادرسی مناسب، ناقض حقوق اولیه بشر است که در معاهدات حقوق بشری و حقوق بین الملل بشر عرفی به آن اشاره شده است. رژیم اشغالگر صهیونیستی به علت پشتوانه ای که از سوی کشورهای غربی به خصوص آمریکا دارد، بدون هیچگونه فشاری برای سالیان متوالی به این اقدامات خودسرانه ادامه داده و زندگی مردم نواحی اشغالی را در تنگنا قرار داده است.

دیوان بین المللی کیفری در گزارش خود به کمیسیاریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد^۱ با موضوع بازداشت خودسرانه زندانیان فلسطینی در مراکز بازداشت اسرائیل (سیستم بازداشت اداری) به این نکته اشاره دارد: «بازداشت های اداری خودسرانه دولت اسرائیل بند (۲) ماده (۹) میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی را نادیده می گیرد که می گوید: «هرکسی که دستگیر می شود باید در زمان دستگیری از دلایل دستگیری خود مطلع شود. فوراً از هرگونه اتهامی علیه وی مطلع خواهد شد.» به گزارش سازمان حمایت از کودکان بین المللی^۲: «(اسرائیل در سال ۱۹۹۱ کنوانسیون کمیته حقوق کودکان^۳ را تصویب کرد و خود را ملزم به اجرای طیف کامل حقوق و حمایت های مندرج در این کنوانسیون کرد. کمیته حقوق کودک، نهاد سازمان ملل که بر اجرای کنوانسیون حقوق بشر نظارت می کند، طی بررسی اولیه خود در سال ۲۰۰۲، نگرانی جدی خود را در مورد «ادعاها و شکایات مربوط به اعمال غیرانسانی یا تحقیرآمیز و شکنجه و بدرفتاری با کودکان فلسطینی» دستگیری، بازجویی و بازداشت را در طول این مدت ابراز کرد. (Defense for Children International, May ۲۰۲۳)

۸- سوالات پژوهش

- ۱) آیا اقدامات امنیتی اسرائیل در مناطق اشغالی فلسطین به عنوان قدرت اشغالگر با حقوق بین الملل همخوانی دارد؟
- ۲) آیا بازداشت های خودسرانه در مناطق اشغالی با رویه کنونی حقوق بین الملل همخوانی دارد؟
- ۳) آیا بازداشت های خودسرانه در مناطق اشغالی فلسطین ناقض حقوق بشر است؟
- ۴) آیا بازداشت های خودسرانه و حبس های غیر مجاز در مناطق اشغالی فلسطین می تواند مصداق جنایت علیه بشریت باشد؟

۹- اهداف پژوهش

در این مقاله با نگاهی به گزارش گزارشگر ویژه حقوق بشر در مورد وضعیت حقوق بشر در سرزمین های اشغالی، نگاهی به کنوانسیون ها و رویه و عرف بین المللی در مورد بازداشت های خودسرانه و طبقه بندی پژوهش ها و استدلال های صورت گرفته در مورد بازداشت و حبس خودسرانه توسط نهادهای حقوق بشری به وضعیت حقوق بشر در مناطق اشغالی فلسطین و درد و رنج حاصل از نقض های حقوق بشر از جمله بازداشت های خودسرانه و حبس های غیرقانونی پرداختیم.

۱۰- روش تحقیق

^۱ Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights

^۲ Defense for Children International

^۳ Committee on the Rights of the Child



در این تحقیق از روش مطالعاتی اسنادی و مراجعه به نشریات و گزارشات و سایت های مرتبط با پژوهش ویادداشت برداری و فیش برداری، برای رسیدن به نتیجه بهره گرفته شده است.

با توجه به مواد ۴۰ و ۴۱ طرح مسؤولیت بین المللی دولتها در قبال اعمال متخلفانه بین المللی^۱، زمانی که یک دولت با اعمال خود یک قاعده آمره بین المللی را به طور سیستماتیک نقض می کند، دولت ها جهت پایان دادن به این نقض باید همکاری داشته باشند و چنین وضعیتی را نباید در میان مناسبات بین خود به رسمیت بشناسند. تعهدات حقوق بشری نباید هیچگونه استانداردهای دوگانه ای داشته باشند و دولت ها نباید به هنگام برخورد با نقض های حقوق بشری به صورت گزینشی برخورد کنند.

۱۱- نتیجه گیری

پس از اشغال کرانه باختری، نوار غزه و بیت المقدس، اسرائیل به علت مورد مناقشه بودن منطقه و به بهانه های تاریخی از وظایف خود به عنوان دولت اشغالگر طبق حقوق بین الملل طفره رفت. این امر منجر به نقض اصول اساسی حاکم بر موقعیت های اشغالی، از جمله عدم کسب حاکمیت، وظایف اداره سرزمین اشغالی به نفع جمعیت حفاظت شده و موقتی بودن اشغال آن شده است.

رویه کنونی حقوق بین الملل، بازداشت های خودسرانه در مناطق اشغالی فلسطین را به رسمیت نمی شناسد؛ چرا که این نوع بازداشت ها و حبس های خودسرانه طبق قواعد معاهده ای از جمله منشور سازمان ملل متحد، ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و نظر کمیته سابق حقوق بشر و همچنین با رویه ی قطعنامه های صادره توسط نهادهای حقوق بشری جزو حقوق بین الملل عرفی و فراتر از آن با توجه به نظر کارگروه، جزو قواعد آمره بین المللی هستند که تخطی از آن ها جایز نیست و بنابراین ناقض حقوق بشر هستند.

گروه کاری سازمان ملل در مورد بازداشت های خودسرانه که از سال ۱۹۹۲ به پرونده های فلسطینی ها رسیدگی کرده است، بارها تأیید کرده است که محرومیت خودسرانه و گسترده از آزادی ممکن است جنایت علیه بشریت باشد.

همان طور که پیش تر اشاره شد طبق مواد طرح پیش نویس مسؤولیت بین المللی دولت ها، در زمان نقض یک قاعده آمره دولت ها وظیفه دارند در مناسبات بین خود چنین وضعیتی را به رسمیت نشناسند و با هم همکاری لازم را داشته باشند. حقوق بشر نمی تواند و نباید در مناسبات دولت ها گزینشی باشد.

همچنین باتوجه به حمایت های گسترده ایالات متحده از وضعیت موجود در سرزمین های اشغالی فلسطین، شورای امنیت سازمان ملل، عملاً کارایی خود را جهت شناسایی موارد نقض صلح در این منطقه از دست داده است. در چنین مواردی با توجه به رویه قطعنامه علیه صلح، نقش مجمع عمومی سازمان ملل متحد می تواند بسیار پررنگ تر باشد

^۱ Draft articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, with commentaries, ۲۰۰۱



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

مراجع

الف) مقالات و گزارشات

۱. **Human Rights Council ,Fifty-third session, ۱۹ June–۱۴ July ۲۰۲۳, Agenda item ۷, Human Rights situation in Palestine and other occupied Arab territories, Report of the Special Rapporteur on the situation of human rights in the Palestinian territories occupied since ۱۹۶۷, Francesca Albanese**
۲. **Illegal and Arbitrary: The Deprivation of Liberty of Palestinians in Occupied Territories, Submission to the United Nations Special Rapporteur on the Situation of Human Rights in the Palestinian Territory Occupied Since ۱۹۶۷, ۱۰ November ۲۰۲۲**
۳. **Palestinian Children in the Israeli Military Court System, Defense for Children International – Palestine, May ۲۰۲۳**
۴. **Occupation and International Humanitarian Law: questions and answers. ICRC, ۲۰۰۴**

ب) سایت

۱. <https://guide-humanitarian-law.org/content/article/۳/occupied-territory/>
۲. <https://www.ohchr.org/en/special-procedures/wg-arbitrary-detention>
۳. <https://www.unodc.org/efj/zh/terrorism/module-۱۰/key-issues/international-human-rights-instruments.html>
۴. <https://www.addameer.org/>
۵. https://www.dci-palestine.org/who_we_are
۶. <https://www.ohchr.org/en/treaty-bodies/crc>